

طراحی الگوی توسعه کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز

سعیده صمدزاد^۱

عضو هیات علمی پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی جهاد دانشگاهی، تبریز، saeede.samadzad@gmail.com

چکیده

امروزه اهمیت کارآفرینی در توسعه اقتصاد ملی و منطقه‌ای به دلایل متعددی از جمله نقش کارآفرینان به عنوان عاملان ایجاد نوآوری مولد اشتغال پایدار و همچنین عامل افزایش مزیت رقابتی تأیید شده است. چنین شرایطی سبب می‌شود که سیاست‌گذاری‌های کلان کشورها به سمت حمایت از ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای نوپا به ویژه در سکونتگاه‌های غیررسمی سوق یابد. لذا هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی و طراحی الگوی آسیب‌شناسی توسعه کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی است. جامعه آماری تحقیق، مدیران، کارشناسان و خبرنگاران مربوط به امور اشتغال و کارآفرینی بوده و برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه الگوی توسعه کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی از روش مدلسازی ساختاری - تفسیری استفاده می‌شود. جهت بررسی روایی سوالات از نظرات اساتید، کارشناسان، مدیران بخش-های فعال در حوزه اشتغالزایی، استفاده و پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ سنجیده می‌شود. نتایج آلفای کرونباخ با مقدار ۰/۹۷۱ نشان می‌دهد که پرسشنامه از پایایی مطلوبی برخوردار است. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که مدیریت مشارکتی و رهبری، موقعیت استراتژیک منطقه، فعالیت‌های گروهی و تیمی، دانش، تحصیلات و مهارت، تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد، زیرساخت‌های مناسب بازار، مقررات حمایتی و نظارتی مناسب، دسترسی به تسهیلات بانکی، سیاست‌های حمایت اقتصادی و مقررات حمایتی و نظارتی مناسب از عوامل موثر بر موفقیت و توسعه کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی است.

کلمات کلیدی: توسعه، کارآفرینی، سکونتگاه‌های غیررسمی، تبریز

۱- مقدمه

امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی کشور، حل معضل بیکاری است که به دلایل ساختاری از جمله افزایش عرضه نیروی کار، کمبود سرمایه‌گذاری، مهاجرت روستاییان به شهرها، جوانی جمعیت و ... بازار کار کشور با عدم توازن مواجه شده است. در این میان کسب‌وکارهای کارآفرین از عوامل مهم اشتغالزایی به شمار می‌روند. ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای کارآفرین به عنوان سیاستی مهم در ایجاد مشاغل جدید، تسریع در بهبود اوضاع اقتصادی و رشد کشورها محسوب می‌شود [۱]. پرواضح است که سرمایه‌گذاران و کارآفرینان در محیطی تمایل به فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری دارند که حداقل زیرساخت‌های اقتصادی تأمین شده داشته باشند [۲]. این در حالی است که ایجاد چنین فضایی نیازمند شرایط و مؤلفه‌های متعدد در راستای بهبود و پایداری فضای کسب و کار است. نکته قابل توجه این است که این مسئله نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در شهرهای متوسط و کوچک و سکونتگاه‌های غیررسمی هم حائز اهمیت است.

در ایران پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از مهمترین مشکلات شهرهای بزرگ و تا اندازه‌ای شهرهای کوچک است. در این میان استان آذربایجان شرقی به ویژه کلانشهر تبریز نیز از پدیده حاشیه‌نشینی مستثنی نمی‌باشد. بررسی

نشان داده است در سکونتگاه‌های غیررسمی با وجود ظرفیت‌های بالا در حوزه کارآفرینی، بهره‌گیری از این پتانسیل‌ها برای توسعه اشتغال و بازار کار مغفول مانده و تداوم و پایداری این نوع مشاغل و کسب‌وکارها، همواره به عنوان یک معضل برای کارآفرینان مطرح است. متخصصان حوزه کسب‌وکار تأکید ویژه‌ای بر شناخت عناصر تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی دارند و معمولاً در قالب مدل‌های مفهومی و توصیفی به شرایط توسعه و آسیب‌شناسی کسب‌وکارها اشاره دارند. این توسعه کارآفرینی است که چرخ‌های توسعه اقتصادی کشور را به حرکت در می‌آورد و کارآفرینان موتور رشد اقتصادی جامعه محسوب می‌شوند و نقش مهمی در ایجاد تغییرات و پیشرفت‌های اقتصادی در کشورها ایفا می‌نمایند. لذا با عنایت به اهمیت موضوع، سوال اساسی تحقیق حاضر این است که عوامل موثر بر موفقیت و توسعه کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی کدامند؟

۲- مبانی نظری

۲-۱- کارآفرینی

کارآفرینی و توسعه آن موجب گردیده موجی از سیاست‌های توسعه کارآفرینی در دنیا ایجاد شود. توسعه کارآفرینی نیازمند شناسایی ساختارهای مناسب و راهکارهای مؤثری است که بتواند شرایط لازم برای تحقق کارآفرینی در سطح کل احاد جامعه را فراهم آورد. کارآفرینی، عملی خلاق برای ایجاد چیزی جدید، نوآوری مبتنی بر درک و یافتن فرصت از یک محیط نامعلوم، ایجاد فرصت با استفاده از منابع یا جستجوی منابع جدید از طریق ایجاد ارزش فردی، گروهی و جامعه می‌داند که محاسبه ارزش افزوده آن سخت است. از کارآفرینی تعاریف زیادی ارائه شده است و مانند بسیاری از واژگان حوزه علوم انسانی روی تعریف دقیق آن اجماع وجود ندارد. از نظر کائو کارآفرینی عبارت است از فرایند انجام گرفتن فعالیتی جدید و متفاوت به منظور خلق ثروت برای مقاصد شخصی و افزودن ارزش به جامعه. همچنین، بر اساس تعریف واژه نامه دانشگاهی و بستر کارآفرینی شخصی است که کسب‌وکاری جدید را در جهت کسب درآمد راه می‌اندازد و در این راه خطراتی را نیز می‌پذیرد. این فرد خطرات احتمالی یک کسب‌وکار یا سازمان را سازماندهی و مدیریت می‌کند. برخی تحقیقات کارآفرینی را فعالیتی انفرادی و برخی دیگر آن را فعالیتی گروهی و سازمانی معرفی می‌کنند [۳].

۲-۲- عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی

فضای کسب و کار، محیط سیاسی، نهادی و رفتاری است که بازدهی و مخاطرات مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در یک تعریف دیگر، فضای کسب‌وکار را محیطی نهادی، سیاسی و تنظیمی معرفی کرده‌اند که فعالان اقتصادی و بنگاه‌ها در چارچوب آن فعالیت می‌کنند. محققان دلایل ناپایداری و ورشکستگی را به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم می‌کنند که مهمترین دلایل بیرونی عدم موفقیت و ناپایداری عبارتند از:

۱- ویژگی‌های سیستم اقتصادی: سیستم‌های اقتصادی ناپایدار و در حال رشد نسبت به سیستم‌های اقتصادی باثبات، خطر ورشکستگی را تهدید می‌کند. کارآفرینان به عنوان مدیر اجرایی باید تغییراتی را در ساختار اقتصادی پیش-بینی و اثرات احتمالی آن را برآورد کند [۴]. ۲- رقابت: در محیط‌های رقابتی فرصت جبران اشتباه وجود ندارد. لذا یکی از دلایل ورشکستگی رقابت است اما مدیریت کارا نقطه مقابل این دلیل است [۵]. ۳- تغییرات سریع تکنولوژی: از عوامل موثر بر ورشکستگی تغییرات سریع تکنولوژی است که منجر به منسوخ شدن سریع فرایند تولید و محصولات می‌شود. اگر کارآفرینان از بکارگیری روش‌های مدرن و شناخت به موقع خواسته‌های مصرف‌کننده جدید ناتوان باشند، شکست خواهند



خورد. ۴- نوسانات تجاری: عواملی مانند کاهش بهای محصولات یا افزایش ناگهانی هزینه‌ها، کاهش فروش و ... از عواملی محسوب می‌شوند که خطر ورشکستگی را افزایش می‌دهند. عوامل درونی ورشکستگی کسب‌وکارها را از جمله عواملی می‌دانند که می‌توان با اتخاذ برخی اقدامات، از بروز آنها جلوگیری کرد. اغلب این عوامل ناشی از تصمیمات غلط است و مسئولیت آنها را باید مستقیماً متوجه خود فرد مدیر دانست. این عوامل عبارتند از: ۱- عدم کارایی مدیریت: موفقیت یا عدم موفقیت مستقیماً از تصمیمات مدیریتی متأثر می‌شود. به طور مثال، ضعف سودآوری از نشانه‌های مدیریت ناکاراست. ۲- فروش ناکافی: این امر ممکن است نتیجه موقعیت مکانی نامناسب، اقدامات ضعیف برای بهبود فروش و یا ارائه خدمات و با محصولات با کیفیت پایین باشد و این بدین معنی است که کارآفرین باید قادر به کسب درآمد برای ادامه فعالیت خود ندارد. ۳- قیمتگذاری نامناسب: با توجه به هزینه‌های تولید شرکت، قیمت‌های خیلی پایینی را ارائه و این یعنی پذیرش ضرر و یا سود ناچیز روی فروش محصولات. ۴- مسائل حقوقی - مالی: گاهی عوامل نامساعد، مرتبط با مسائل حقوقی و مالی می‌باشد که بیشتر به بی‌ثباتی در سیاست‌های دولتی و تغییر سیاست‌ها توسط دولت، نبود حمایت دولتی، قوانین دست‌وپاگیر، قوانین نامناسب، وضعیت ناپایدار اقتصاد کشور، تحریم‌های بین‌المللی و گاه برا اثر مواردی همچون عدم سازگاری شرکاء تجاری و مالیات زیاد است. ۵- موانع اجتماعی - ارزشی: گاه شکست‌ها متأثر از موانع اجتماعی و ارزشی است. به طوری که بر شکست کسب‌وکارها هم تأثیر مستقیم و هم تأثیر غیرمستقیم می‌گذارد که در جوامع مختلف با توجه به تنوع فرهنگی متفاوت است و آنچه باید در درک تفاوت رفتار، مورد توجه قرار داد، عواملی همچون عقاید اجتماعی، هنجارها، پاداش رفتارها، آرمان‌های فردی و ملی و مکاتب دینی است [۶].

کارآفرینی دارای ماهیتی چندوجهی و چندبعدی است. لذا برای ارائه نظریه کارآفرینی، تعامل بین ابعاد مختلف کارآفرینی ضروری است. عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی به شرح زیر است:

- عوامل اجتماعی - فرهنگی
- عوامل فردی - شخصیتی
- عوامل محیطی
- عوامل اقتصادی
- عوامل زیرساختی
- عوامل فضایی
- و ... [۷].

۲-۳- پیشینه تحقیق

توتکووا و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل پایداری در کسب و کارهای کوچک و متوسط پرداختند. نتایج مطالعات آنان نشان می‌دهد عوامل پایداری کسب و کارها را باید در موارد قیمت تمام شده، تأمین منابع مالی، تأمین نیازهای بازار، بهره‌گیری از تکنولوژی، بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت، ضرورت توجه به حوزه‌های بالادستی مشاغل، سازماندهی مشاغل، تخصصی شدن و ارزیابی و نظارت جستجو کرد [۸].

کلوفستن و همکاران (۲۰۲۰) درباره حمایت از ۴ کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک در روستاهای کشورهای اتحادیه اروپا نشان دادند حمایت و پشتیبانی مالی و در نظر گرفتن تنوع فعالیتهای اقتصادی، اقداماتی مؤثر برای توسعه کارآفرینی هستند [۹].



سین هاروی و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده است دولت‌ها می‌توانند محرک‌های اقتصادی مهمی برای بهبود وضعیت اسکان‌های غیررسمی باشند. دولت‌ها می‌توانند با ایجاد مشوق‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی، بودجه خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در اسکان‌های غیررسمی تسهیل کنند. در برخی موارد، برنامه‌های خرد تأمین مالی می‌تواند یک مؤلفه مهم برای بهبود دسترسی به مسکن مناسب باشد. نتایج تحقیقات نشان داده است دولت‌هایی که دارای سیاست‌های توسعه ملی شهری هستند، بیشتر احتمال دارد منابع مالی را برای بهسازی و بهبود سکونتگاه‌های غیررسمی اختصاص دهند [۶].

پارک و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی تغییرات فضایی حاشیه‌نشینی در اولان‌باتور مغولستان پرداختند. نتایج نشان می‌دهد مساحت ناحیه حاشیه‌نشینی بشدت در حال گسترش است. این در حالی است که دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و خدمات عمومی نیز برای ساکنین آن منطقه بهبود یافته است [۱۰].

کالمن و همکاران (۲۰۱۷) بر اساس یک دیدگاه شناختی اجتماعی بر روی انگیزه‌های موفقیت، به این نتیجه می‌رسند که ترس از شکست، به عنوان مانع برای کارآفرینان نوظهور بر روی فعالیت آنها تأثیر می‌گذارد. همچنین ادراک موانع اجتماعی، زمینه‌ساز ترس از شکست می‌شود، که به نوبه خود تأثیر منفی بر ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها دارد [۲].

امیدپور و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی در شهرستان دلفان پرداختند. در این تحقیق برای تعیین مکانیزم اثرگذاری ساختارها نیز از مدل رگرسیون چندگانه بهره گرفته شد که نتایج آن نشان داد که ارتباط مؤلفه زیرساختی - فضایی با توسعه کارآفرینی مستقیم و تأثیرگذاری آن بیشتر از دیگر مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و ویژگی‌های فردی است که ارتباطی غیرمستقیم و اثرگذاری پایینتری نسبت به مؤلفه زیرساختی - فضایی در توسعه کارآفرینی ناحیه دارد [۳].

اخوان (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی عوامل شکست کارآفرینان نوپا در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط پرداخته است. در این پژوهش کیفی که بر اساس روش تحقیق تحلیل روایت و گفت‌وگو با بهره‌گیری از ابزار مصاحبه باز با ۸ کارآفرین نوپا که در کسب‌وکار خود شکست را تجربه نموده‌اند انجام شده است، عوامل اصلی شکست کارآفرینان نوپا شناسایی و در ۴ مقوله و به ترتیب اولویت معرفی می‌شود: مشکلات درونی (ضعف دانش، تجربه و مهارت‌های کارآفرینی و اقدامات مالک/کارآفرین)، مشکلات حاکمیتی (دولت و قوانین) مشکلات مالی (تأمین مالی و سیستم بانکی) و نهایتاً مشکلات محیطی (نامساعد بودن محیط کسب‌وکار). با توجه به مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام شده اساسی‌ترین یافته متمایز این پژوهش شناسایی نقش مسائل و مشکلات حاکمیتی است [۱۱].

رحمان‌نیا و فکور ثقیه (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی دلایل شکست کسب‌وکارهای کارآفرین و نوپا و ارائه راهکارها برای توسعه کارآفرینی پرداختند. آنها بیان کردند که رابطه متقابلی بین کارآفرینی و شرکت‌های تثبیت‌شده وجود دارد. کسب‌وکارهای نوپا نقشی اساسی در ایجاد نوآوری، اشتغال و افزایش مزیت رقابتی کشورها دارند. با این حال نرخ شکست اینگونه کسب‌وکارها بالا است و به تبع آن هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، روحی-روانی و جسمانی- فیزیولوژیک زیادی را به کارآفرینان و سایر افراد جامعه تحمیل می‌شود. عوامل شکست اغلب کسب‌وکارها، تقریباً مشابه و قابل شناسایی هستند. شروع یک کسب‌وکار همیشه ریسک‌پذیر است و شانس موفقیت اندک می‌باشد. از اینرو، شناسایی دلایل این شکستها، موضوع مهمی است، که در تحقیق حاضر به آن پرداخته می‌شود. در این مقاله ابتدا تعاریفی از کسب‌وکارهای کارآفرینانه و اهمیت نوپاها بیان شده است و سپس به طور خلاصه به دلایل شکست و راهکارهای توسعه کارآفرینی پرداخته شد [۱۲].

مرور کلی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد در فضاهای مختلف جغرافیایی عوامل متعددی در توسعه کارآفرینی دخیل اند و این عوامل متناسب با شرایط طبیعی و انسانی حاکم بر مناطق مختلف، با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؛ از این رو لازم است متناسب با تفاوت مکانی حاکم بر مناطق مختلف جغرافیایی، عوامل مؤثر بر کارآفرینی شناسایی شود.



۳- روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، یک پژوهش کاربردی از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که طی آن اطلاعات مربوط به بخش نظری تحقیق، از طریق اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و اطلاعات مربوط به بخش پیمایشی آن از طریق تکمیل پرسشنامه و مصاحبه گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه الگوی توسعه کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی از روش مدلسازی ساختاری - تفسیری (ISM) استفاده می‌شود. مراحل ISM¹ بصورت زیر است.

۱- تعیین مولفه‌های موثر بر کارآفرینی پایدار: در این مرحله شاخص‌ها و عوامل موثر بر پایداری کسب و کارهای کوچک و کارآفرین در سکونتگاه‌های غیررسمی از طریق مصاحبه با افرادی که از دانش و اطلاعات کافی نسبت به موضوع برخوردارند، شناسایی می‌شوند.

۲- تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری: در این ماتریس اگر عنصر سطر i منجر به ستون j شود، حرف v و اگر عنصر ستون j منجر به سطر i شود A و در صورتی که این رابطه دوطرفه باشد، X و اگر ارتباطی نباشد، حرف O قرار داده می‌شود.

۳- تشکیل ماتریس دستیابی اولیه: در این مرحله به جای حرف v ($i, j = 1$) و به جای حرف A ($i, j = 0$) و به جای حرف X ($j, i, i, j = 1$) و به جای حرف O ($j, i, i, j = 0$) قرار داده می‌شود.

۴- تشکیل ماتریس دستیابی اصلاح شده: با در نظر گرفتن رابطه تعدی بین عناصر لازم است ماتریس دستیابی اولیه سازگار شود. به طوری که حالت پایدار برقرار شود ($M^K = M^{K+1}$).

۵- تعیین سطح مولفه‌ها: پس از تعیین مجموعه ورودی و خروجی و مجموعه مشترک، سطح‌بندی عوامل انجام می‌شود.

۶- ترسیم مدل نهایی ساختاری - تفسیری: بر اساس سطوح تعیین شده و ماتریس دستیابی نهایی، مدل ترسیم می‌شود.

۷- تحلیل جدول نفوذ - وابستگی: جمع سطری مقادیر در ماتریس دستیابی نهایی برای هر عامل بیانگر میزان نفوذ و جمع ستونی نشانگر میزان وابستگی خواهد بود.

لازم به ذکر است جامعه آماری تحقیق، مدیران، کارشناسان و خبرنگاران مربوط به امور اشتغال و کارآفرینی بوده و برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. بدین منظور جهت گردآوری اطلاعات، برخی مدیران و کارشناسان سازمان صنعت، معدن و تجارت، مدیران و معاونین شرکت‌های فعال در حوزه اشتغال و کارآفرینی، کارآفرینان محلی و صاحبان کسب و کارها در اسکان‌های غیررسمی و اساتید خبره و برجسته دانشگاهی استان آذربایجان شرقی که از دانش، اطلاعات و تخصص کافی نسبت به موضوع برخوردار بوده‌اند، انتخاب شده‌اند. جهت بررسی روایی سؤالات از نظرات اساتید، کارشناسان، مدیران بخش‌های فعال در حوزه اشتغالزایی، استفاده و پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ سنجیده می‌شود. نتایج آلفای کرونباخ با مقدار $0/971$ نشان می‌دهد که پرسشنامه از پایایی مطلوبی برخوردار است.

۴- بحث و یافته‌ها

در این بخش به تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق پرداخته شده است.

۱- ماتریس دستیابی اولیه: با استفاده از مولفه‌های موثر بر توسعه کارآفرینی، ماتریس دستیابی اولیه در جدول ۱ شکل می‌گیرد.

¹ Interpretative - Strtucual Model

جدول ۱- ماتریس دستیابی اولیه

مؤلفه‌ها	مدیریت مشارکتی و رهبری	موقعیت استراتژیک منطقه	فعالیت‌های گروهی و تیمی	دانش، تحصیلات و مهارت	تشکیل صندوق‌های اعتباری	زیرساخت‌های مناسب بازار	مقررات حمایتی و نظارتی	دسترسی به تسهیلات بانکی	سیاست‌های حمایت اقتصادی
مدیریت مشارکتی و رهبری	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰
موقعیت استراتژیک منطقه	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
فعالیت‌های گروهی و تیمی	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰
دانش، تحصیلات و مهارت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰
زیرساخت‌های مناسب بازار	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱
مقررات حمایتی و نظارتی مناسب	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱
دسترسی به تسهیلات بانکی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰
سیاست‌های حمایت اقتصادی	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰

۲- تشکیل ماتریس دستیابی نهایی: ماتریس دستیابی اولیه شرح جدول ۲ سازگار می‌شود.

جدول ۲- ماتریس دستیابی نهایی

مؤلفه‌ها	مدیریت مشارکتی و رهبری	موقعیت استراتژیک منطقه	فعالیت‌های گروهی و تیمی	دانش، تحصیلات و مهارت	تشکیل صندوق‌های اعتباری	زیرساخت‌های مناسب بازار	مقررات حمایتی و نظارتی	دسترسی به تسهیلات بانکی	سیاست‌های حمایت اقتصادی
مدیریت مشارکتی و رهبری	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰
موقعیت استراتژیک منطقه	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
فعالیت‌های گروهی و تیمی	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰
دانش، تحصیلات و مهارت	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰
زیرساخت‌های مناسب بازار	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱

مقررات حمایتی و نظارتی مناسب	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱
دسترسی به تسهیلات بانکی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰
سیاست‌های حمایت اقتصادی	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰

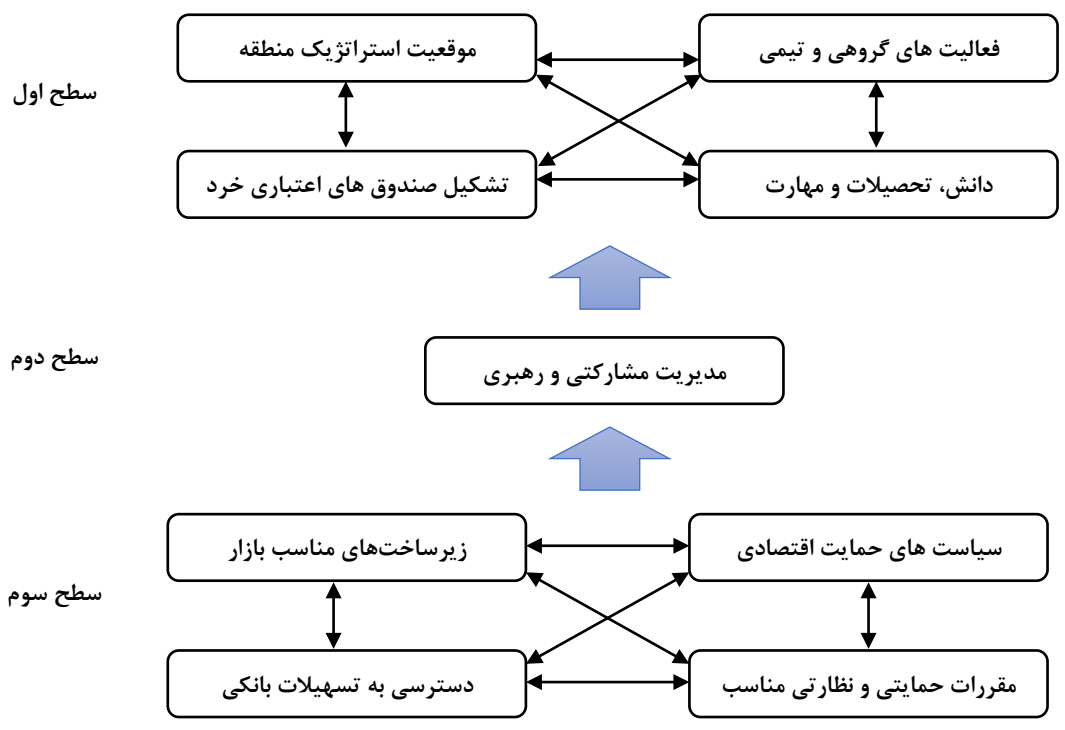
۳- تعیین سطح شاخص‌ها: به منظور تعیین سطح عوامل، مجموعه‌های ورودی، خروجی و اشتراک تشکیل می‌شود. نتایج حاصل از سطح‌بندی متغیرها به همراه علائم مربوطه به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳- سطح‌بندی متغیرها

متغیرها	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	مجموعه مشترک	سطح
مدیریت مشارکتی و رهبری	۵-۴-۳-۲-۱	۹-۸-۷-۶-۱	۱	۲
موقعیت استراتژیک منطقه	۵-۴-۳-۲	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۵-۴-۳-۲	۱
فعالیت‌های گروهی و تیمی	۵-۴-۳-۲	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۵-۴-۳-۲	۱
دانش، تحصیلات و مهارت	۵-۴-۳-۲	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۵-۴-۳-۲	۱
تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد	۵-۴-۳-۲	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۵-۴-۳-۲	۱
زیرساخت‌های مناسب بازار	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۹-۸-۷-۶	۹-۸-۷-۶	۳
مقررات حمایتی و نظارتی مناسب	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۹-۸-۷-۶	۹-۸-۷-۶	۳
دسترسی به تسهیلات بانکی	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۹-۸-۷-۶	۹-۸-۷-۶	۳
سیاست‌های حمایت اقتصادی	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۹-۸-۷-۶	۹-۸-۷-۶	۳

منبع: یافته‌های تحقیق

۴- ترسیم مدل نهایی ساختاری- تفسیری: بر اساس سطوح تعیین شده و ماتریس دستیابی، مدل نهایی به شرح شکل ۱ ترسیم می‌شود.



شکل ۱- الگوی توسعه کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی
منبع: یافته‌های تحقیق

۵- نتیجه‌گیری

برونرفت از چالش‌های سکونتگاه‌های غیررسمی مانند فقر، ناامنی غذایی، بیکاری، مهاجرت، رفاه کم و... در گرو اتخاذ سیاستها و راهبردهای نوینی است که متناسب با شرایط جغرافیایی حاکم بر سکونتگاه‌های غیررسمی باشد. با استناد به متون علمی موجود، ترویج و توسعه کارآفرینی در رفع محرومیت‌ها و مشکلات جوامع به‌ویژه جوامع محروم (سکونتگاه‌های غیررسمی) مؤثر واقع می‌شود. این مهم در گرو مطالعات پایه و بنیادی در زمینه کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن در هر فضای جغرافیایی است؛ از این رو مطالعه حاضر با هدف سنجش شاخص‌های کارآفرینی و عوامل مؤثر بر توسعه آنها در سکونتگاه‌های غیررسمی در محلات حاشیه نشین شهر تبریز انجام شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مدیریت مشارکتی و رهبری، موقعیت استراتژیک منطقه، فعالیت‌های گروهی و تیمی، دانش، تحصیلات و مهارت، تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد، زیرساخت‌های مناسب بازار، مقررات حمایتی و نظارتی مناسب، دسترسی به تسهیلات بانکی، سیاست‌های حمایت اقتصادی و مقررات حمایتی و نظارتی مناسب از عوامل مؤثر بر موفقیت و توسعه کارآفرینی در سکونتگاه‌های غیررسمی است.

توسعه کارآفرینی لازمه رشد و توسعه در هر اقتصاد پویایی است. در این راستا اعتبارات و تسهیلات بانکی به متقاضیان طرح‌ها و پروژه‌ها یکی از مهمترین منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری و توسعه کارآفرینی محسوب می‌گردد. از

اینرو با اتخاذ سیاستهای پولی صحیح و بکارگیری ابزارهای پولی می توان پس اندازهای بخش خصوصی را به صورت کارآمد تجهیز و به سمت فعالیتهای مولد هدایت کرد. به همین دلیل بحث تامین مالی بنگاههای کوچک و متوسط بخش اصلی برنامه های حمایتی در کشورها محسوب می گردد. تشکیل صندوق های اعتباری خرد نیز در توسعه کارآفرینی نیز موثر است. اعتبارات خرد در کاهش فقر، بویژه به دو دلیل اهمیت دارند، یکی آنکه معمولاً اعتبارات بانکی بخصوص در کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف نصیب افراد فقیر نمی شود، و دیگر آنکه عواملی مثل وجود قدرت های انحصاری و یا بالا بودن نرخ بهره باعث شده است که منابع مالی غیر رسمی نیز نتوانند اعتبارات لازم را در اختیار قشر فقیر جامعه قرار دهند. نظام اعتبارات خرد یکی از راهکارهای مطرح شده در دو دهه اخیر به منظور تسریع فرآیند سرمایه گذاری و تقویت بنیادهای مالی و پس انداز در مناطق حاشیه نشین و نهایتاً توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی و فقرزدایی از طریق ارتقا بهره وری با تاکید بر بکارگیری اعتبارات خرد بوده است.

در این میان مقررات حمایتی و نظارتی مناسب و سیاست های حمایت اقتصادی از سمت دولت نیز در توسعه کارآفرینی از اهمیت بالایی برخوردار هستند. با توجه به نقش محوری دولت در تدوین و اجرای برنامه های توسعه در کشور اسلامی ایران، ضرورت رشد شتابان کشور و همنا شدن با تغییر و تحولات روز افزون فناوری برای دستیابی به سهم بیشتری از این انقلاب نرم افزاری، توسعه کارآفرینی را به امری اجتناب ناپذیری برای کشورها بدل ساخته است. دولت لزوماً باید ساختار کاری، راهبردی و فرهنگی را ایجاد کند که بر نوآوری تأکید کند. ابتکار در مدیریت امور عمومی و پیگیری برای ایجاد فرهنگی خلاق، به ارتقای عملکرد و ابتکار منجر می شود. ابتکارهای اجتماعی بزرگ مستلزم همزمان شدن با اقتصاد مدرن است که بتوان سیاست های اجتماعی و مؤسسات قدیمی ارائه دهنده خدمات عمومی را به طور منظم جهت واگذاری سازماندهی کرد. مؤسسات دولتی وقتی کارآفرین هستند که نسبت به تغییر هوشیار باشند، فرصت ها را کشف و با اقدام خلاقانه از آنها بهره برداری کنند. بخش دولتی لزوماً به دلایل ظاهری به خلاقیت، مدرنیزاسیون و مشتری مداری روی نمی آورد، بلکه دلیل اصلی پاسخگویی به تغییرات محیطی است.

علیرغم موانع بسیار جدی که دولت برای کارآفرینی در پیش روی دارد ولی ضرورت پرداختن به موضوع کارآفرینی و احیای کارآفرینی در مؤسسات دولتی نتایج مطلوبی به همراه خواهند داشت. تعیین سیاست ها، اهداف، روش ها و الگوهای مناسب و اجرای برنامه های حمایتی و تشویقی می تواند مهمترین وظایف محوری دولت در زمینه توسعه کارآفرینی باشد. سیاست های دولت ها در یک تحول سه مرحله ای از حمایت از کسب و کارهای کوچک به حمایت از توسعه نوآوری و سپس به توسعه کارآفرینی تغییر می یابد. به طور کلی این اقدامات می باید با دو جهت گیری کلی انجام شود:

- حذف و کاهش محدودیت ها و موانع کارآفرینی.
- ترغیب و تشویق کارآفرینی.

به طور کلی مواردی را که دولت ها برای توسعه کارآفرینی در آن دخالت می کنند عبارتند از: توسعه قابلیت های کارآفرینی، ایجاد ساختارهای حمایتی و ایجاد زمینه ها، از سویی دیگر یکی از مهارت های لازم برای بهبود عملکرد اجتماعی و موفقیت فردی و توسعه کارآفرینی، توانمندی کار گروهی است که گاه به عنوان شاخه ای از مهارت های ارتباطی بین فردی ذکر می شود. مشارکت همه جانبه و به ویژه فکری کارکنان جهت تحقق اهداف کارآفرینانه ضرورتی اساسی است، چنانچه افراد خلاق و صاحب اندیشه و با تفکر، خلاقیت مشارکتی را افزایش و انواع مسائل را راحت تر و سریعتر حل خواهد نمود. تفکر و خلاقیت مشارکتی، موجب هم افزائی تفکر و خلاقیت تک تک افراد میشود. لازمه توسعه این تفکر فرهنگ سازی، اصلاح فرهنگ سازمانی و مدیریت فرهنگ خلاقیت و نوآوری می باشد. موانعی همچون فقدان انگیزه و عدم اعتماد به کار گروهی، عدم توجه به نظرات کارکنان، نقدناپذیری، محافظه کاری و مدیریت مستبدانه، از مهمترین موانع تفکر و خلاقیت مشارکتی و توسعه کارآفرینی در سکونتگاه های غیررسمی محسوب می گردد.



در نهایت دانش، مهارت و تحصیلات از عوامل تاثیرگذار بر توسعه کارآفرینی است. ضمن اینکه جامعه نیازمند دانش آموختگانی است که بتوانند به طور مداوم اطلاعاتشان را به روز کنند و مهارتهای تازه را فرا گیرند. فراگیری دانش و مهارتهای تخصصی برای افراد علاقه مند به خصوص دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاهی که جویای مشاغل مطلوب و چالش انگیز هستند همراه با آموزشهای کارآفرینی، مهارتی و کاربردی می تواند آغاز فرایند تاسیس و رونق یک کسب و کار و قبول مخاطره در این قشر از جامعه می باشد. این افراد دارای ایده و نظری نو هستند و در شرایط مناسب قادرند با تکیه بر توان مهارتی، ذهنی و ریسک پذیری خود به عنوان موتور توسعه اقتصادی در جامعه مسئولیت پذیر باشند. لذا یادگیری دانش؛ مهارت و تحصیلات در توسعه کارآفرینی از ضروریات است.

منابع

1. Svobodova, L., Hedvicakova, M. (2015). "Doing business in the Countries of Visegrad Group". *Procedia economics and finance*. 34, pp 453-460.
2. Kollmann, T., Stockmann, C. M., Kensbock, J. (2017). "Fear of failure as a mediator of the relationship between obstacles and nascent entrepreneurial activity—an experimental approach". *Journal of Business Venturing*. 32(3), pp 280-301.
۳. امیدپور، ف.، رحمانی فضلی، ع. و عزیزپور، ف. (۱۳۹۹)، "تحلیل عوامل ساختاری مؤثر بر توسعه کارآفرینی مناطق روستایی شهرستان دلفان"، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۹(۱)، ۲۲-۳۹.
4. Montoya, J., Cartes, I., Zumelzu, A. (2020). "Indicators for evaluating sustainability in Bogota's informal settlements: definition and validation, *Sustainable Cities and Society*". 53, pp 1-13.
5. Wang, Y., Bertrand, C., Beshir, M., Kahanji, C., Walls, R., Rush, D. (2020). "Developing an experimental database of burning characteristics of combustible informal dwelling materials based on South African informal settlement investigation". *Fire Safety Journal*. 111: 1-14.
6. Sinharoy, S.S., Pittluck, R., Clasen, T. (2019). "Review of drivers and barriers of water and sanitation policies for urban informal settlements in low-income and middle-income countries. *Utilities Policy*". 60, 1-8.
۷. صفایی کنجین، م.، سید نقوی، م. ع و کاملی، م. ج. (۱۴۰۰)، "بررسی عوامل راهبردی موفقیت کسب و کارهای خانگی با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری و میک مک"، فصلنامه مدیریت کسب و کار، شماره ۴۹، ۳۳۲-۳۵۴.
8. Tsvetkova, D., Bengtsson, E. and Durst, S. (2020). "Maintaining Sustainable Practices in SMEs: Insights from Sweden, *Sustainability*", 12(24), <https://doi.org/10.3390/su122410242>.
9. Klofsten, M., Norrman, C., Cadorin, E., (2020). "Support and development of small and new firms in rural areas: a case study of three regional initiatives", *SN Appl. Sci.* 2, 110 (2020). <https://doi.org/10.1007/s42452-019-1908-z>.
10. Park, H., Fan, P., John, R., Ouyangd, Z., Chen, J. (2019). "Spatiotem Poral Changes of Informal Settlements: Gerdistricts in Ulaanbaatar, Mongolia. *Landscape and Urban Planning*". 191, 1-12.
۱۱. اخوان، م. ر. (۱۳۹۷)، "بررسی عوامل شکست کارآفرینان نوپا در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط"، پنجمین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین علوم و تکنولوژی با محوریت علم در خدمت توسعه، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
۱۲. رحمان نیا، م. و فکور ثقیه، ا. م. (۱۳۹۴)، "دلایل شکست کسب‌وکارهای کارآفرین و نوپا و ارائه راهکارها برای توسعه کارآفرینی"، نخستین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و کارآفرینی.